



## «روستا» به مثابه «مکان توسعه» تطبیق «منظر زیسته» و «منظر ساخته شده» در منطقه کوهدهشت\*

آرش تقی پور اختنی<sup>\*\*</sup>  
آذین علیپور تبریزی<sup>۱</sup>  
رضا روحانیان<sup>۳</sup>

۱. پژوهشگر دکتری مدیریت توسعه ملی و تطبیقی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۲. پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

### چکیده

انسان به عنوان محصول روستا، خود نهاده اصلی شکل‌گیری مکان و مسیر آتی توسعه است. در این میان یکی از دغدغه‌های مهم حول روستاهای شهرستان کوهدهشت، مهاجرت گسترش بومیان است. از این رو در راستای پاسخ به کلان موضوع «نقش مکان در فرایند توسعه روستا» مسئله این پژوهش «مکان توسعه در زندگی روزمره روستاهای منطقه کوهدهشت چگونه است؟» قرار گرفت. در واقع با این فرض که «مکان، انسان و روستا از مسیر مراقبت‌های دو سویه به هم پیوند می‌زنند»، «روستا» به مثابه «مکان توسعه» مجالی به روزمره انسان-روستا معرفی شد، برای تحقق «دستاوردهای» حاصل از مواجهه با سختی‌های منحصر به فرد و پیوسته پیچیده‌تر، در قالب فضا. هدف پژوهش، «تبیین مدل یکپارچه مکان توسعه زندگی روزمره روستا» با پاسخ به دو سؤال «منظر ساخته شده روستا در منطقه کوهدهشت چگونه است؟» و «منظر زیسته روستا در منطقه کوهدهشت چگونه است؟» مطرح شده است. برای رسیدن به سازگاری در «واقعیت مشترک دریافت شده» از دو سؤال پژوهش، نیاز به تطبیق دو حوزه معنایی موازی وجود دارد. به این معنا که «توصیفاتی از منطقه که حاصل مشاهده (حاضر) است» با راهبرد تحلیل مضامون؛ و «توصیفاتی از منطقه که حاصل زیست‌شدن (غیرحاضر) است» با راهبرد پدیدارشناسی هرمنوتیک، احصا شده؛ و دست‌آوردهای این دو گام با وزنی برابر، با هم جمع‌بندی می‌شوند. یافته‌های پژوهش برای سؤال اول، سه بُعد «عملکردی»، «ایدئولوژی» و «دارایی» را ظاهر کرد. و در سؤال دوم نیز، سه تجربه «زادگاه مشترک»، «عملکرد مشترک» و «دارایی مشترک»، از مصاحبه‌های پدیدارشناسانه حاصل شد. در نهایت با تطبیق نتایج این دو مرحله، مدلی متشکل از چهار بُعد «مکان»، «دارایی»، «فضای اجتماعی» و «عملکرد» جمع‌بندی شد.

### اطلاعات مقاله

- تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱/۳۰  
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵

واژگان کلیدی  
توسعه مکان محور، روستا، فضا، کوهدهشت، منظر تطبیقی



بهار ۱۴۰۳

۲۲

\* این مقاله حاصل طرح پژوهشی «توسعه مکان محور؛ خوانش منظر روستایی در منطقه کوهدهشت» است که زیرنظر دکتر «سید امیر منصوری» در سال ۱۴۰۲ در پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر به انجام رسیده است.

\*\* نویسنده مسئول: a\_taqipour@atu.ac.ir، ۰۹۱۲۸۳۳۸۲۴۰

## بیان مسئله

در راستای پاسخ به کلان مسئله «نقش مکان در فرایند توسعه روستا»، می‌توان بیان داشت؛ از آنجایی که انتظار می‌رود تا اراده جمعی برای توسعه، در میان مردمانی پدیدار شود که در جایی ریشه گرفته‌اند؛ آوارگی و مهاجرت، بزرگ‌ترین خطر برای «توسعه» است. مفروضی که «متروک‌شدن روستاهای ربع‌عوان روی دیگر تلاش‌های علمی نشان می‌دهد که مسئله خود را بر حل مشکلات ناشی از روند فزاینده شهرنشینی بنا کرده‌اند. در این راستا هرچند مدت‌هاست که پرداختن به «زمینه»، به جریان اصلی پژوهش‌های علمی در حوزه توسعه بدل شده است؛ و طرح «مشروعیت علمی» در بازبینی سیاست‌های حمایت‌های مالی از تحقیقات (Cash et al., 2003; Celis & Gago, 2014) گواهی است

بر اهمیت فراینده تقویت رابطه علم با واقعیت‌های اجتماعی؛ اما استدلال می‌کنیم که سه خلاء مهم در این خصوص وجود دارد. نخست اینکه در بُعد عملکردی این تلاش‌ها به جای شناخت زندگی روزمره، عموماً هدف خود را ارائه پاسخ قرار می‌دهند؛ دوم، در بُعد مقیاس بیشتر به مقیاس شهری پرداخته‌اند تا روستا؛ و سوم، در بُعد جامعیت [به‌واسطه عدم حضور] به سهم مهاجران از زندگی روزمره روستا، کمتر پرداخته‌اند. از این‌رو این پژوهش با هدف «تبیین مدل یکپارچه مکان توسعه زندگی روزمره روستا» به این مسئله می‌پردازد که «مکان توسعه در زندگی روزمره چگونه است؟»؛ و برای پاسخ سؤال خود به روستاهای منطقه کوهدشت مراجعه می‌کند. انتخاب این موقعیت از آن جهت است که منطقه کوهدشت، از مناطق ضعیف اقتصادی کشور ایران، در ابتدای قرن پانزدهم شمسی است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان، ۱۴۰۲) و مطابق

استدلال فوق، علی‌رغم وجود ظرفیت‌های منطقه‌ای منحصر به‌فرد، در عین برخورداری از برنامه‌های توسعه فضایی (مانند طرح هادی) - اما افق توسعه‌یافتنگی اش، عمیقاً متأثر از مهاجرت گسترشده بومیان است و آسیب این تهدید را می‌توان در سه سطح برشمود: (۱) تعمیق وابستگی و فقر ناشی از هدرفت سرمایه انسانی منطقه، در سطح خرد؛ (۲) بروز بحران‌های اجتماعی ناشی از برهمن خوردن ترکیب جامعیت و متروک‌شدن روستاهایه به تبع آن آسیب به ساختار اقتصاد کشاورزی، در سطح میانه؛ و (۳) بی‌وارث ماندن یکی از مهم‌ترین مراکز تمدنی تولید نمادهای تاریخی فرهنگی، در سطح کلان.

هرچند تاریخچه بلندمدت زندگی در این منطقه، در ابعاد فناورانه (عصر مفرغ) و اجتماعی (فرهنگ محلی) بسیار غنی است؛ اما تاریخ نزدیک آن، متأثر از واقعیات سیاسی و اقلیمی است. به این معنا که کوچ‌روهای تابع اقلیم، به‌تبع تصمیم دولت مرکزی و در بی اتفاقات پرتقال سیاسی، یکجا نشینش شده؛ و تلفیقی از استقرارهای جدید و قدیم را در الگویی که امروز در ۱۰ دهستان تقسیم‌بندی شده، ایجاد کرده‌اند (Potts, 2014). پرداختن به امر توسعه در این منطقه، به‌واسطه درگیرشدن با نیازهای زندگی روزمره، از سرفصل‌های عملگرانهای است که انعکاسی هم در پژوهش‌های علمی معتبر کشور داشته است (رضابور و باقری، ۱۳۹۹،

## مبانی نظری

زندگی روستایی، حتی اگر خود هم در قرون اخیر چندان تغییر نکرده باشد؛ بدليل فرایندهای فراینده شهرنشینی و پیشرفت‌فاوری‌ها، ادراک‌پذیری «روستا» دچار تغییر شده است. در این راستا همچنان تعریف مورد توافقی از روستا وجود ندارد؛ و بیشتر به عنوان موجودیتی غیرشهری از آن یاد می‌شود. در اینجا برای عمق بخشیدن به مسئله «چگونگی» این پژوهش، در ادامه تعاریفی از کلیدواژه‌های «مکانمندی» و «توسعه» پیگیری می‌شود، که هستی را نه در تقليلی شهری و غیرشهری، بلکه حاصل رهیافت‌گزینی انسان برای مواجهه غریزی او با محیط‌اش معرفی می‌کند.

## • توسعه

«توسعه» از انتزاعی ترین تصاویر بر ساختی در زیست اجتماعی است؛ که مفاهیم انضمایی آن پیوسته در حال تغییر و تکامل است. از نیمه قرن بیستم که تلاش‌های سازمان‌دهی شده برای توسعه آغاز شد؛ شاهد تغییر رهیافت از توسعه «مالی-زیرساختی» که جنبه‌های فیزیکی را در بر می‌گرفت؛ به سمت توسعه «انسانی-نهادی» که آموزش، بهداشت و مشارکت قانون‌مند را در برمی‌گیرد، هستیم (Taqipour Akhtari & Alipour Tabrizi, 2023).

صحبت از توسعه برجسته‌کننده دو امر (۱) هدف اولیه از توسعه و (۲) ابزار اصلی توسعه است (Sen, 1999)، که متوجه به ارائه دسته‌بندی‌های گوناگونی می‌شود. در یک سو، گونه‌شناسی از تلاش‌های توسعه‌طلبانه قرار می‌گیرد که عموماً آن را در نه مکتب مختلف دسته‌بندی می‌کنند؛ مانند، تدارک برنامه‌ریزانه، استعماری، پیشرفت تاریخی، تغییر ساختاری و غیره (لغت ویج، ۱۳۸۹). مطالعه درون و میان حوزه‌ای توسعه نیز مفاهیمی نظری توسعه انسانی، مالی، صنعتی، وغیره را مینمایندگی می‌کند. در مقابل برخی توسعه و مسیر تحقق آن را در سیر تعاریف سازمان‌های بین‌المللی جست‌وجو کرده و از الگوهای رشد مورد نظر بانک جهانی و سیاست‌های اصل چهار تروم من پس از جنگ جهانی دوم، تا ایده توسعه پایدار در نسبت با ظرفیت محیط‌زیستی را بازخوانی می‌کنند. در آخر نظریه‌هایی

روابط اجتماعی است. لوفور با این استدلال که فضای جغرافیایی برخوردار از ریشه‌های اجتماعی است، در پی برجسته‌سازی «تجربیات زیسته» مردم عادی بود؛ و رویکردی پدیدارشناسانه به مفهوم فضا داشت. لازم به ذکر است که توصیفات لوفور از فضاء عموماً تلاش‌هایی برای نظریه‌مند کردن امر شهری است؛ اما ردیابی نظرات او نشان می‌دهد که او زمانی سه‌گانه دیالکتیکی خود را به جای «کردارهای فضایی»، «فضایی بازنمایی» و «بازنمایی فضایی» (کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۱)، با «شهر»، «روستا» و «طبیعت» ساخته؛ و توضیح می‌دهد که پیشتر شهر به روستا به عنوان بخشی از طبیعت (در برگیرنده مواد خام) وابسته بود. اما این رابطه به واسطه شهری شدن فزاینده، کاملاً بر عکس شده و این روستاست که امروزه به ماشین و تکنولوژی شهری وابسته است. از این‌رو عناصر شهری مانند تیر چراغ‌برق، آسفالت، دکل مخابراتی و غیره، به روستاهای رسوخ کرده و آن‌ها را به حاشیه شهرها الحاق می‌کنند. در واقع این مرکز قرارگرفتن شهر، موجب می‌شود تا رابطه سه‌گانه فوق را به صورت «بافت شهری»، «بافت روستایی» و «مرکزیت» بازنویسی کنیم (واقفی و همکاران، ۱۳۹۸).

## جمع‌بندی چارچوب مفهومی

«فضا» مفهومی انتزاعی است و مطالعه پیرامون مضامین جغرافیایی و تاریخی آن، از اساسی‌ترین مباحث معرفتی است (Kazemian et al., 2022). حال چنانچه مطابق کلان مسئله پژوهش حاضر، «توسعه‌خواهی» در قلمرو «روستا»، مفروض این فضامندی معرفی شود؛ تدقیق چارچوب مفهومی (جدول ۱) یک ضرورت بنیادین است. به این معنا که هرگونه تلاش «توسعه‌جویانه» مستقل از فضای روستا، به واسطه (۱) سهل‌انگاری نسبت به سازماندهی‌های تودرتوی زندگی روزمره؛ و همچنین (۲) نادیده گرفتن تطور رفتار، معانی و هویت در طی زمان؛ در مقابل طبیعت مستقل فضای روستا قرار گرفته؛ و مدل ناقصی از «توسعه‌طلبی» را رقم می‌زند، که هرچند ممکن است روستا را از «مکان» اولیه خود جایه‌جا کند؛ اما به سرمنزل توسعه هم نمی‌رساند.

این پژوهش بانفی هرگونه نگاه جبرگرایانه نسبت به رهیافت توسعه؛ به خوانشی از «روستا»‌اهتمام می‌ورزد که آن را به مثابه «مکان توسعه» برای تحقق دستاوردهای «عینی-ذهنی» اصلی می‌شمارد و با اتکا به این حقیقت که برای توسعه‌یافتنی در طی زمان، حد مطلقی وجود ندارد؛ با رهیافتی مقایسه‌ای (قضاوی در درون افراد، که از مذاکره و اجماع در بیرون نشئت می‌گیرد)، تعریفی از توسعه را مبنای قرار می‌دهد که آن را «وضعیتی در حال شدن» یا «فرایندی» توصیف می‌کند. در این راستا، تحقق مکان توسعه، مستلزم دو بعد «خواستن» و «توانستن» است.

- خواستن خود متشکل از «اراده‌های درونی» و «اراده‌های بیرونی» (اراده‌های بیرونی از شبکه سکونت‌گاه‌های کشور نشئت گرفته باشد؛ یا روابط مرکز پیرامونی) است.

- توانستن نیز، به ظرفیت مکان توسعه برای تحقق آمال اش اشاره

هستند که توسعه‌مند شدن را در قالب تئوری‌های نوسازی، وابستگی، نهادی، جغرافیایی و اقتصادی تبیین می‌کنند. با این همه، می‌توان توسعه را «شدن» معنا کرده و برای آن جایگاه روانشناسانه قائل است. در واقع اشتیاق انسان برای «مقایسه» عملکرد خود با دیگران، بخشی ذاتی از ساختار روان‌شناختی است. به این معنا که خواه توسعه ناشی از «حرکت پیوسته» باشد یا «تحویل مولد»؛ «مقایسه» از یک سو محکی است برای تبیین «رتبه فعلی» جامعه در نسبت با سایر جوامع؛ و از سوی دیگر شاخصی است برای فهم وضعیت‌مندی ایشان در نسبت با «آمال و آرمان‌هایش». ازین‌رو توسعه به عنوان امری نسبی که متشکل از توامندی‌های جمعی برای ایجاد و انجام فرایندی‌های آگاهانه است، در نظر گرفته می‌شود (Sen, 1999). در این راستا تکامل توامندی‌ها به صورت یک «فرایند» پیچیده، تدریجی، غیرخطی، وابسته به مسیر است؛ که در «مکان» اتفاق می‌افتد.

## • مکان‌مندی

«فضا» مفهومی اساسی در جغرافیا، علوم اجتماعی، علوم انسانی و علوم اطلاعاتی است (Blaschke et al., 2018)؛ و البته بسیار سهل و ممتنع. آن چنان سهل که به صورت روزانه در انواع کاربردها به کار می‌رود؛ و آن چنان ممتنع که کمتر تفاوت پرتاب شدگی‌های انسان توصیف آن یافت می‌شود. با این همه فضای پرتاب شدگی‌های انسان توصیف شده است. «پرتاب شدگی» مفهومی است هایدگری، برای توصیف هرآنچه که به انسان داده شده، و ایشان درون آن قرار گرفته است. آن چنان پیوسته که بخشی از ماهیت و ذات او را تشکیل می‌دهد. در این معنا «مکان»، «دازین» است؛ و در برابر دیدگاه دکارتی قرار می‌گیرد. دیدگاهی که با تفکیک تمام عیار خود و جهان، منجر به بیرونی قلمداد شدن فضا نسبت به سوژه می‌شود. و انسان همچون «هستی اندیشیننده»، یا برای تحقیق ایده‌آل‌هایش و یا برای خاص کردن موقعیت خویش؛ خود را مخیر به شناخت، تدبیر، تسخیر، و حتی انهدام فضا می‌یابد (Madanipour, 1996). در این راستا به کلان قرائت‌های Paradigm (شناخته شده دیگری از فضای برای مطالعه یک سکونت‌گاه انسانی نیز می‌توان اشاره کرد؛ شامل توصیف رفتاری قرآن کریم از مکان در قالب تعابیر قریه و مدینه (منصوری، ۱۴۰۲)، توصیف امتدادی دکارت، توصیف جغرافیایی و تاریخی کانت (عینی و ذهنی)، توصیف وحدت-کثرت هگل (عینی-ذهنی)؛ توصیف تعاملی هایدگر، توصیف اجتماعی-سیاسی لوفور و توصیف شبکه‌ای (مکان و فضای جریان‌ها) کاستنر، فضای سوم سوجا. با این همه از نظریه پردازان معاصر تأثیرگذار، لوفور از اندیشمندان قرن بیست است. او از دو گانه‌سازی «منطق صوری-محتوا» (عینی-ذهنی) به عنوان گرفتاری تاریخی غرب یاد می‌کند و توضیح می‌دهد که «منطق صوری به دنبال کشف امر کلی و جهان‌شمول و اشکال منطقی قضایاست، حال آن که محتوا در بی فهم جهان تجربی و امور جزئی می‌دود» (واقفی و همکاران، ۱۳۹۸). ایشان یا معرفی «زندگی روزمره» بیان می‌کند که «فضامندی‌ها» صرفاً چینش فیزیکی چیزهای نیست، بلکه روال‌های تجسم‌یافته و الگوهای فضایی

## جدول ۱. جمیع‌بندی چارچوب نظری. مأخذ: نگارندگان.

مفهوم	توصیف منتخب
هستی	اصلت وجود با زندگی روزمره روستا است؛ و مکان و انسان از جنس ماهیت هستند.
پارادایم توسعه	نهادی؛ فرایند افزایش ظرفیت جمعی برای پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماع، همسو با ارزش‌های اجتماع (Sen, ۱۹۹۹).
ایدئولوژی توسعه	انسجام‌گرایانه؛ باورها در صورتی موجه هستند که با سایر باورها همخوانی داشته باشند؛ یعنی هر انتخاب باید با سیستم کلی انتخاب‌ها همخوانی داشته باشد (توسعه پایدار).
نظریه توسعه	مکان محور؛ واحد منظر، واحدی بزرگتر از تم‌های هنجاری یا سنتی برای توصیف جهت توسعه مکان است. منظر انعکاس یک سیستم اصیل بومی است؛ که هم نباید در سنت فربیز شود؛ و هم نباید به بهانه توسعه تخریب شود. این اصلت باید در توسعه رعایت شود؛ ولی توسط مهاجران باشد (منصوری، ۱۴۰۲).
مکان	تفسیرگرایانه؛ تمام دانش بشری زمینه‌ای است. از این‌رو «مکان» از طریق معانی که مردم، تجربه‌می‌کنند درک می‌شوند. پژوهش، اعتماد متقابل محقق و مردم است در ساخت مشترک دانش حول توسعه روستا.
روستا	جغرافیای انسانی؛ اینکه انسان‌ها از طریق اعمال و شیوه زندگی خود به زمین در قالب روستا شکل می‌دهند؛ و متقابلاً روستا، یک پیکربندی صرف از امور معمولی فضایی-زمانی نیست؛ و بر موقعیت عاطفی افراد نیز دلالت دارد.

(غیرحاضر) است» با راهبرد پدیدارشناسی هرمنوتیک، احصا شده؛ و دست آوردهای این دو گام با وزنی برابر، با هم جمیع‌بندی می‌شوند. پژوهشگران برای پاسخ به سؤال اول در پاییز ۱۴۰۲ به منطقه مورد مطالعه رجوع کرده؛ و «مشاهده» خود را به دقت ثبت می‌نمایند. در ادامه با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون، مضامین در سه دسته پایه، سازمان‌دهنده و اصلی جمیع‌بندی می‌شوند. تا در نهایت به صورت یکپارچه تبیین شوند. برای پاسخ به سؤال دوم نیز، داده‌ها از طریق «اصحابه» جمع‌آوری شده؛ و با راهبرد پدیدارشناسانه و تکنیک تحلیل مضمونی، تحلیل می‌گردد. جدول ۲ به معرفی مصاحبه‌شوندگان می‌پردازد. در تعیین حجم نمونه براساس توصیه کرسول عمل شد؛ و نمونه‌گیری شامل افرادی بود که محدوده زیست ایشان، فراتر از محیط زندگی روزمره روستاها را در بر می‌گیرد. درواقع همگی مهاجرانی هستند که علی‌رغم گذشتن زمان حداقل ۵ سال از عملی شدن تصمیم ایشان برای مهاجرت، اما هنوز از منطقه کنده نشده‌اند؛ و دغدغه‌هایی از جنس «بودن» دارند (Dürrschmidt, 2000).

دارد. در این خصوص می‌توان این توانستن را در دو بعد حاضر (واقع)؛ و غیرحاضر (ممکن) بازناسایی کرد. دو فرضیه تشکیل شده در این خوانش عبارتنداز: (۱) با توجه به رهیافت مقایسه‌ای حاکم بر تعریف توسعه در این پژوهش، اراده‌های بیرونی قابل نادیده گرفتن است. چراکه، چه سریزهای مثبت و چه ناکارآمدی‌های تحمیلی در این خصوص، معطوف به روستاهای منطقه مورد مطالعه نبوده و تمام روستاهای کشور را متأثر می‌سازد و (۲) بومیان مستقر در روستاهای، به علت انطباق امر ممکن و واقع در زندگی روزمره ایشان؛ نمی‌توانند بازتاب تفکیک‌شده‌ای از امر حاضر و غیرحاضر عرضه کنند. سؤالات پژوهش به صورت زیر صورت‌بندی می‌شود و در نهایت با ادغام دو بعد خواستن درونی و توانستن حاضر غیرحاضر، سؤالات این پژوهش برای پاسخ به مسئله «مکان توسعه در زندگی روزمره چگونه است؟» چنین صورت‌بندی می‌شود:

- ادرونی/حاضر: «منظور ساخته شده روستا» در منطقه کوهدهشت چگونه است؟
- ادرونی/غیرحاضر: «منظور زیسته روستا» در منطقه کوهدهشت چگونه است؟

در نهایت ابطال پذیری چارچوب تبیین شده، اثبات این فرضیه است که «اراده‌ای منفی برای عقب نگهداشت این منطقه وجود دارد؛ به صورتی که این اراده فراتر از ناکارآمدی‌های رایجی است؛ که به صورت احتمالی پیامدهایی منفی را از سمت مرکز یا کل شبکه سکونت‌گاهی، به روستاهای منطقه تحمیل می‌کند».

## روش پژوهش

مطابق چارچوب مفهومی، سؤالات این پژوهش، در پی فهم با اصول شمردن پژوهشگران است. از این‌رو روش این پژوهش کیفی است (Creswell & Poth, 2018). در این راستا برای رسیدن به سازگاری در «واقعیت مشترک دریافت شده» از دو سؤال پژوهش، نیاز به تطبیق دو حوزه معنایی موازی وجود دارد. به این معنا که «توصیفاتی از منطقه که حاصل مشاهده (حاضر) است» با راهبرد تحلیل مضمون؛ و «توصیفاتی از منطقه که حاصل زیستشدن



جدول ۲. مشخصات مصاحبه شوندگان. مأخذ: نگارندگان.

مصاحبه	تاریخ	تحصیلات	حدود سن	زندگی نامه
مصاحبه‌یک	۱-۰۶	لیسانس	۴۰ سال	کارآفرین محلی
مصاحبه دو	۲-۰۶	لیسانس	۳۶ سال	کنده‌شده‌مسئولیت‌پذیر
مصاحبه سه	۳-۰۶	لیسانس	۵۰ سال	جهان وطن
مصاحبه‌چهار	۴-۰۶	فوق لیسانس	۳۳ سال	برگزیده سرخورده
مصاحبه‌پنج	۵-۰۶	فوق لیسانس	۴۲ سال	کاوشگر بی‌میل
مصاحبه‌شش	۶-۰۶	دکتری	۴۶ سال	در انتظار بارنزشستگی
مصاحبه‌هفت	۷-۰۶	دیپلم	۴۵ سال	تبغیتی



تصویر ۱. جمع‌بندی مشاهدات. مأخذ: نگارندگان.

این شرط که در پی دستاوردها باشیم و از قابلیت‌ها، کارکرد مطالبه کنیم. در این راستا مشاهدات نشان داد این عملکردها (۱) مبتنی بر تأمین نیازهای معیشتی است. تلاش‌هایی که در پی تدارک نیازهای زندگی حال هستند و چندان سهمی در زندگی آینده افراد ایفا نمی‌کنند. چنانکه اگر افرادی به دام این دست تلاش‌ها بی‌افتدند، زمان خروج‌شان از آن چندان شفاف نیست و البته فردی هم نیست که نیاز به تأمین معاش نداشته باشد. عملکردهای دیگر، (۲) تعاملاتی است که در بستر قوام یافته اجتماعی رقم می‌خورد. جایی که فرد خود را در جمع تعریف کرده و می‌تواند از دست‌آوردهای معیشتی خود کامراوا شده یا نشود. در این سطح عزت نفس، محسوبی است که به‌واسطه بودن در روابط سیستماتیک اجتماعی عاید می‌شود؛ و می‌تواند تجربه رضایتمندی را حاصل کند. (۳) سطح سوم نهاد هویتی است. از آنجایی که تقریباً هیچ کس نمی‌تواند خارج از سیستم تعاملات باشد؛ تلاش برای «معنامند» و «بالغ» بودن، یا «بنده» و «بی‌هویت» نبودن، در میان اجزا در جریان است. در اینجا با عملکردهایی روبرو هستیم که به‌صورت نوشته یا نانوشته به سؤالاتی مانند «من که هستم؟» یا «کجا هستم؟» پاسخ می‌دهند.

محورهایی بود که بتواند تجربیات را در کنار هم توضیح داده و آن‌ها را به صورت واقعیات چندگانه و فراتر از خوش‌هایی موازی توصیف کند. در این رهیافت، فهم مکان یعنی پرسش از خود و نزدیک شدن به پاسخ خود، با کمک مشاهدات؛ مدام از نو برای تسهیل شناخت در همتنیدگی‌ها. تلاشی که تا آخرین ویرایش نگاشته هم ادامه داشت و شرح آن در عنوانی پیش‌رو می‌رود. لازم به توضیح است که برای پشتیبانی از یافته‌های این قسمت، مضماین پایه احصا شده از مشاهدات در جدول ۳ منعکس شده؛ و تصویر ۱ مضماین اصلی و سازمان‌دهنده ظهور یافته را در نسبت با هم نشان می‌دهد.

## ۰. دارایی

در کشاکش مشاهداتی که پژوهشگران را میان علائم فقیر یا ثروتمند بودن جایه‌جا می‌کرد؛ تجربه چیزهای «خوب» که لزوماً قابل اندازه‌گیری نبودند، بسیار غنی بود. مواردی که بیش از پیش نقش آن‌ها در تحقق توسعه مورد توجه قرار گرفته؛ و زندگی در شرایط سخت را برای مردم قابل تحمل کرده است. مواردی نظری اعتقاد پاکبازانه به امر قدسی، به عهد، و به همنوع. یا دلبستگی‌های عاطفی، به طبیعت، به خانواده، به بازی‌های جمعی، به زبان مادری، به موسیقی محلی و رواج شوختی‌های صادقانه و خلاقانه میان همسالان؛ و غیره. در این مسیر اما از کمبود پول و نفوذ سیاسی بسیار گله‌مندی مشاهده می‌شد. در نهایت الگویی که از مشاهدات استنباط شد، در سه سطح دارایی‌های طبیعی (منابع طبیعی، پول) دارایی‌های فنی (زیرساخت و انسانی) و دارایی‌های اجتماعی (فرهنگی و جمعی) قابل جمع‌بندی بود.

## ۰. ایدئولوژی

دستگاه تولید و ترویج اخلاقی که سازوکار تطبیق جامعه با نیازهای جدید را ارزش‌گذاری می‌کند. به این معنا که افکار آگاهانه و ناآگاهانه، قضاوت‌ها، رفتار و تصمیمات انسان را، در تناسب با ساختارهای عمومی، خشونت مشروع، کار، قدرت، و دیگر چیزهایی که برداشت یا سوبرداشتی را برمی‌انگیزد تعریف می‌کند (رداصالی، ۱۴۰۱). در اینجا نیز با سه دسته ایدئولوژی «جبر سنت»، «تافقی کننده» و «تکامل بخش» روبرو شدیم.

## ۰. عملکرد

«عملکرد» را می‌توان حتی همان «زندگی» هم معنا کرد. به

جدول ۳. تحلیل مضمونی مشاهدات. مأخذ: نگارندگان.

مضامین اصلی	ایدئولوژی	عملکرد	دارایی	مضامین پایه
طبیعی				مرتع؛ مصالح سنگی؛ سگ نگهبان؛ چوب درخت
معاش			فنی	دامداری سنتی؛ جمع‌آوری گیاهان؛ احصا آب؛ تولید زغال؛ الگوی استقرار
اجتماعی				سازوکار اندازه کردن زمین بر اساس گونی بذر
طبیعی				رقابت طایفه‌ای
تعلمات			فنی	قبرستان‌ها؛ چارطاقی‌ها (امامزاده)
اجتماعی				نسبت خاندانی‌طایفه‌ای؛ نقش پذیری متعدد افراد
طبیعی				نور؛ کوه؛ چشمۀ آب
هویت			فنی	حافظه معماری سیاه‌چادری
اجتماعی				دار مراد؛ حضور همگانی در مراسم عزاداری
طبیعی				زمین‌های حاصل‌خیز؛ سطح بالای آب زیرزمینی
معاش			فنی	کاشت دیم؛ محصولات جالیزی؛ معابر آسفالت
اجتماعی				مدارس؛ تقسیم کار خانوادگی در فعالیت‌های اقتصادی
طبیعی				فضای پرورش کودکان بازی در طبیعت؛ زبان مشترک
تعلمات			فنی	نیروی کار تحصیل کرده؛ استقرار نظام فنی و اجرایی در ساخت‌وساز
اجتماعی				شورای روستاهای چند‌طایفه‌ای؛ دغدغۀ تحصیل و ازدواج آسان فرزندان
طبیعی				چشمۀ ابوالوفا؛ توانایی استفاده از طبیعت
هویت			فنی	شاه‌خوشین؛ ابوالوفا
اجتماعی				سبک موسیقی محلی؛ بازی‌های محلی
طبیعی				مناظر الهام‌بخش؛ فراوانی آب و زمین
معاش			فنی	باغات انار؛ مزارع گندم صنعتی شده؛ مرغ‌داری؛ زیرساخت‌های مدرن
اجتماعی				میانگین سنی جوان منطقه؛ گفتمان خلاق و شوخ تبع؛ بعد بالای خانوار
طبیعی				محوطه‌های باستانی؛ آینینی بودن
تعلمات			فنی	کارآفرینان محلی؛ خودآگاهی (انتقادی)؛ نهاد تعامل
اجتماعی				دغدغۀ مشارکت در طرح‌های توسعه؛ گردشگرپذیری مجاور میل خسروآباد
طبیعی				درختان بلوط
هویت			فنی	افراد با عملکرد موفق در سطح فرام محلی؛ توانایی زندگی در طبیعت
اجتماعی				رحمتی

مضامین سازمان‌دهنده

زنگنه

تفصیل کننده

تکمیل گرنش

## فهم «فضای زیسته» روستاهای منطقه کوه‌دشت

مطابق چارچوب مفهومی، بخشی از واقعیت را در ذهن «بومیان مهاجرت کرده» یافته‌یم؛ از این‌رو نظریات، فرضیات و توضیحات را کنار گذاشته و برای فهم این برساخته اجتماعی با راهبرد پدیدارشناسانه به سراغ ایشان آمدیم. راهبرد پدیدارشناسانه با پوچه کردن (امتناع از تمرکز بر چیزها، مستقل از تجربه کردشان)، به پژوهش‌گر کمک می‌کند تا به واسطه تجربه، «چگونگی» بروز یافتن موقعیت‌ها را از نزدیک بی‌آزماید (کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۱).

جدول ۴ خروجی نهایی مضامین فرآگیر، سازمان‌دهنده و پایه را نشان می‌دهد. مضامین سازمان‌دهنده، در دو بُعد «درونی» و «بیرونی» توصیف شدند و در ادامه هر یک از این مضامین پایه تشکیل‌دهنده آن، با انکا به تجربیات بیان شده در مصاحبه‌ها، تفسیر می‌شود.

### • بیرونی: محل محروم

از مضامین بروز یافته در این مرحله، «محل محروم» است. این موقعیت حتی اگر بخواهد و حتی اگر برخی از آن خواست‌ها حیاتی و ضروری باشند، باز هم نمی‌تواند آن‌ها را برآورده کند. به عنوان مثال

جدول ۴. مضمین سازمان دهنده در نسبت با مضمین فرآگیر و محوری. مأخذ: نگارندگان.

مضامین سازمان دهنده		مضمون فرآگیر
وضعیت مندی اجتماعی (دروني)	وضعیت مندی جغرافیایی (بیرونی)	
ارتقا گفتمان	همگرایی اینجا و آنجا	دارای مشترک
پیوند غیر همگونها	سزاواری محلی	عملکرد مشترک
پیوند همگونها	محل سازگاری	
به حاشیه رانده شدگی	محل محروم	ایدئولوژی مشترک

خانواده‌ام آن‌جا هستن و مرتب بهشون سر می‌زنم؛ حتی اگر بچه‌ها باهام نیان».

## • درونی؛ ارتقا گفتمان

با فراتر رفتن از مرزهای فرهنگی و جغرافیایی، به صورت طبیعی امور محلی اولویت خود را به عنوان کانون زندگی محلی از دست می‌دهند. با این حال این تفکیک را نه تنها نباید لزوماً به معنای محلی‌زدایی در نظر گرفت؛ بلکه تجربه افراد ریشه‌کن نشده، از نوعی جهان‌وطن‌گرایی حکایت می‌کند. به این معنا که تشکیل «سرزمینی کامل غیرهمگون» لازم و ملزم «تبساط اجتماعی» است و ارزش‌ها و توانایی‌های سطح بالا میل ایشان به سفر، یادگیری و فعالیت در سطح فرا محل را مشروع و حتی پراهمیت نشان می‌دهد. در این تجربه که خانواده‌ای بین دو سختی انتخاب می‌کنند (موفقیت و دوری فرزندشان؛ یا عدم موفقیت و برگشت فرزندشان)، خواندنی است: «پدر و مادرم از وقتی شنیدن من اینجا کارم به سختی خورد؛ خیلی برام دعایم کنن. واقعاً دوست دارم به خاطر آن‌ها هم که شده این مشکلات حل بشه ... خیلی دوست دارم من پیش ایشان باشم؛ ولی راضی هستن به اینکه من این‌جا می‌توانم پیشرفت کنم ...».

## • درونی؛ پیوند غیرهمگونها

پیوند غیرهمگونها - اگر نگوییم نامحبوب - چندان در میان جوامعی که ساختار اجتماعی آن‌ها غالباً مکانیکی است (روستایی)، رایج نیست؛ با این‌همه گریز پذیر هم نیست. آنچه حائز اهمیت است، نهادمند بودن این دست تعاملات در منطقه مورد مطالعه است. مانند نهاد «رحمتی» که به عنوان سازوکاری اجتماعی، توانسته بود هر آنچه از «پیوند میان غیرهمگونها» انتظار می‌رود را تجربه پذیر کند؛ مانند اجتماع‌سازی، مدیریت بحران، تعاون، و ترویج نوع خاصی از ارتباطات. در این راستا می‌توان به تجربه زیر اشاره کرد: «مثلاً در شرایطی که کرونا داشت مثل برگ خزان آدم‌ها را می‌ریخت روی زمین و دولت هم مستأصل شده بود؛ نشستن و یک رحمتی نوشتن که کسی مراسم‌هایی مثل عزاداری و عروسی جمع شرکت نکنه؛ جلوی شیوع گرفته شد ... یا سر همین داستان گردن شدن آجیل؛ رحمتی<sup>۱</sup> نوشتن کسی آجیل نخره ... این خیلی مهمه؛ کسی بخواهد در این منطقه توسعه ایجاد کنه حتماً باید از رحمتی استفاده کنه».

## • درونی؛ پیوند همگونها

پیکره تقریباً پایداری از افراد، که بدون حق انتخاب، و براساس تشابه در کنار هم قرار گرفته‌اند. جایی که وجود مشترک، زمینه تجربیات

بیان شد «اگر بتونم ماهانه ۶ میلیون تومان در بیمار، برمی‌گردم؛ ولی نمی‌شه. الان من یه سر می‌رم و برمی‌گردم با بچه‌ها، بیشتر از این‌ها هزینه‌مان می‌شه. ... برای همین اکثرًا مهاجرت می‌کنن ... اینجا هم گرفتار می‌شن ... مردم چون اقتصادی ندارند؛ می‌رن چوب بلوط‌ها را می‌برن و باهاش زغال درست می‌کنند».

## • بیرونی؛ سزاواری محل

این محل با فرصت‌هایی که می‌تواند فراهم کند شناخته می‌شود. در این تعریف محل، حوزه دستکاری و در عین حال واسط تعاملات است. هم خود را با نیازهای جدید تطبیق می‌دهد و هم زمینه توانمندی سایرین را فراهم می‌کند. در این راستا این تجربه از میان چندین تجربه مشابه برگزیده شده است: «بالاخره مردم به اینترنت نیاز دارن. هرچند جایی که دکل وصل شده جای خوبی نیست و با محل آیینی مردم تداخل داره؛ اما ظاهراً بهترین جایی بود که می‌شد ایستگاه مخابراتی را بربا کرد. بعضی‌ها هنوز ناراحتی می‌کنن ولی در نهایت به نفع شد که دکل را وصل کردن».

## • بیرونی؛ محل سازگاری

این محل، متفاوت با «سزاواری محل»، به جای آن که تفاوت‌ها را جذب و حل کند؛ آن‌ها را با ارزش‌های درونی خود سازگار می‌کند. در چنین محیطی میزان دلیستگی شما به محیط چندان مهم نیست؛ بلکه میزان مدارا با واقعیات محل است که تعیین کننده است. مانند این تجربه: «... بعد از یک جانشینی کردن مردم، تا همین ده سال پیش مدام قرعه‌کشی می‌کردن که زمین‌ها را چجوری تقسیم کنن و کدام زمین به کی برسه ... همون جا خیلی‌ها زمین‌هایی گرفتن که اصلاً دقیق نمی‌دون کجاست و برخی‌ها هم که با هم دوست بودن، روابطشان به هم خرد ... الان هم که اومدن و دارن یه بلواری می‌کشن که دسترسی را تسهیل کنن؛ چون این بلوار از کنارش چندتا تجاری درمیاد و تکلیف زمین‌ها روشن نیست، دوباره دعوا افتاده بین مردم».

## • بیرونی؛ همگرایی این‌جا و آن‌جا

این مضمون بازنمایی کننده وضعیتی است که در آن، علی‌رغم جایه‌جایی جغرافیایی یا مرکزداری، اما سرزمین‌زدایی صورت نگرفته است. در واقع این وضعیت رابطه مردم علی‌رغم بُعد فاصله، با محل حفظ شده و گاهها با سرریزهای مثبت برای محل همراه بود. در این راستا می‌توان به این تجربه اشاره کرد: «عموم پژوهش هست؛ بعد از اینکه در تهران کارش گرفته پاشده او مده در منطقه و یک ساختمان پزشکان و داروخانه زده ... البته من خودم هم

نشانه مذکور برای این مقاله است.



ذیل دو مضمون محوری و سه مضمون اصلی شد (تصویر ۲). شرح مضماین اصلی به قرار زیر است.

تجربة زادگاه مشترک

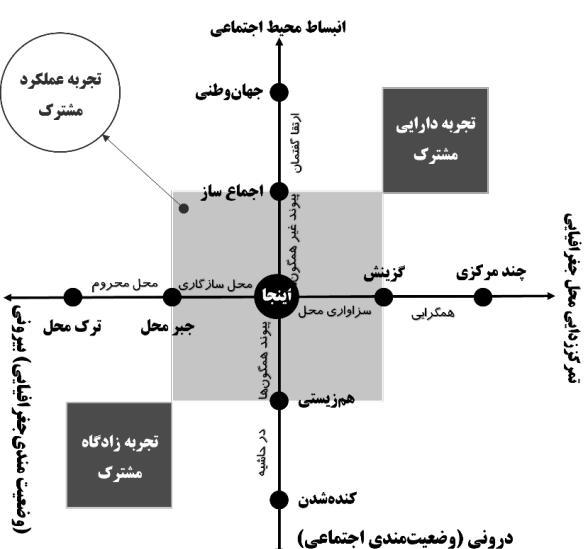
مشتمل بر تجربیات مشترک از «محرومیت مکان» در میان کسانی است که ایشان هم به قدر خود در تحمل ناپذیر کردن شرایط سهم دارند. مکان در این ساحت در قیاس با فرست «تجربه عدم محرومیت» در دیگر مکان‌ها شناخته شده و انگیزه‌ای را می‌آفریند که انتخاب ایشان را محدود می‌کند به برگزیدن از میان جبر مکان یا رفتن به مکان جدید. ایشان هم‌زمان که در برآورد نیازهای اساسی خود در کنار همنوع‌های ناتواناند و تجربیات موفقی از همزمیستی با ایشان ندارند، گزینه‌های برآمده از واقعیات بیرونی رانیز ناسازگار و گاهای غیرقابل قبول می‌باشند.

## • تجربة عملکرد مشترک

با همه فاصله‌ای که مصاحبه‌شوندگان از «ین جای روستا» دارند، اما همچنان روستا برای ایشان «ین جا» است. «بیرون» در این ساحت هم چار چوب‌های مدارا پذیر خود را دارد و هم برای فرصت بیهیستن، انعطاف به خرج می‌دهد و «درون» مشغول دل‌نگرانی برای همگون‌ها و دل‌مشغولی برای ناهمگون‌هاست. در این محدوده محل و اجتماع به هم گشوده‌اند. نه آن چنان «مستبدانه مهریان» که علی‌رغم بروز ناتوانی در هم‌بیستی مسالمت‌آمیز، محل بتواند همچنان فرصت‌سازی کند؛ و نه آن چنان «بی‌تفاوت» که محرومیت محل، مانع انبساط اجتماعی شده و فرصت‌سوزی کند. نقش آفرینی بیرون و درون در این مضمون، ایجاد پیوند مشترک میان چهار عملکرد مکان، برای «ین جا» بودن است.

## • تجربة داراپی مشترک

پیروزش انسان جهان‌وطی، یا چند مرکزی، نه تنها به خروج انسان از روزتا قابل تعبیر نیست بلکه با مصلح صالحی طرفیم که پیش از ساختن جامعه، خود را ساخته است. گفتمان ایشان از آن‌چه



تصویر ۲. جمع‌بندی، «فضای؛ بسته شده». مأخذ: نگاندگان.

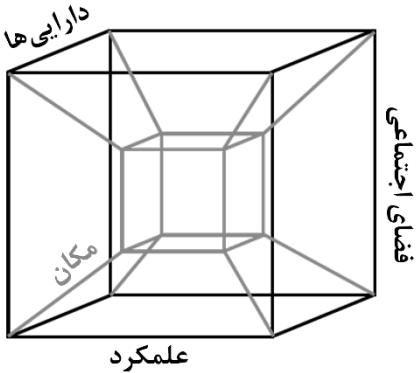
مشترک بعدی را ساخته است. در صحبت با یکی از مصاحبه شوندگان این دیالوگ برقرار شد «شما که گفتین لر هستین؟ ولی لکی صحبت کردین؟! خانواده مادری من لک هستند؛ و اینجا اگر تعاملات آنچنان تعیین کننده نیست، که داشتن فصل مشترک تعیین کننده است. به عنوان مثال مکرر از گزاره «پدرم اهل طایفه ... است و مادرم از طایفه ... است» برای ایشان مشروعیت اظهار نظر به همراه داشت. یا در جای دیگری، نه در ستایش همگوئی که در نقد غیرهمگوئی بیان شد که «بین ... [از بستگان] ... ام اهل آن روستا است؛ دیگه؛ زیاد حرفهاشون را جدی نگیر. لاف می‌زنن ... از من پرس». در این راستا اما تحریره زیر نیز بسیار حائز اهمیت بود؛ جایی که ضمن بر جسته کردن «نهاد ترویج همگون گزینی»، از به خطر افتادن وضعیتی به نام «همزیستی» حکایت می‌کرد. آستانه‌ای که عبور از آن به معنای تعارضات بلندمدت و به چالش کشیده شدن پیوندها است: «اینجا یه انتخابات که برگزار می‌شه؛ تا سطح خدمتکار مدرسه راه هم عوض می‌کنن ... برای همین انتخابات این جا خیلی پر شور و حرارت برگزار می‌شه و خیلی وقت‌ها کشته می‌دی ...».

## ۰ درونی؛ به حاشیه رانده شدگی

به حاشیه رانده شدگی، اشاره به وضعیتی دارد که در آن تلقی روستاییان از وضعیت خود، از شخصیتی در روستا (اعضا جامعه)، به شخصی در روستا (عضو جامعه) تنزل می‌یابد. از انواع بروز این تجربیات می‌توان به این موارد اشاره کرد: «فرصتی وجود نداره؛ و منافع ما در نظر گرفته نمی‌شه»، «به خاطر تبعیض‌ها، نرخ خودکشی بین دخترها بسیار بالاست»، «مردم وقتی دستشون به جایی نمی‌رسه»، می‌رن سمت خرافات و به آن بیشتر اهمیت می‌دن». این تجربیات که به علل متعددی مانند تبعیض، تحمیل، ناتوانی اقتصادی، و یا عدم دسترسی به آموزش، منابع، خدمات عمومی و فرصت‌های بروز می‌یافت؛ موجب می‌شد تاماص‌باشندگان به جای «مؤثر بودن» به تجربیات «مقصر بودن» بپردازند.

## جمع‌بندی «فضای زیسته»

چنانچه شرح آن رفت؛ راهبرد پدیدارشناسانه این قسمت از پژوهش، بر تجربه زیسته افراد مهاجرت کرده متمرکز شد و «فضای زیسته» ایشان را مورد مطالعه قرار داد. مصاحبه‌ها از نوع عمیق بود و حول تاریخچه زندگی، تشریح جزئیات تجربه و بازتاب معنا می‌چرخید. بیان خاطرات خانوادگی، ارتباطات اجتماعی، و...، فرصت‌هایی را برای درک مشترک و همبازانی فراهم می‌آورد و آن‌چه بیش از همه اهمیت داشت، ایجاد این فهم نزد مصاحبه‌شوندگان بود، که ایشان همکار پژوهشی هستند و پژوهش گرسؤالی را بپیش طرح نمی‌کند که پاسخ آن را بداند. در تمام طول پژوهش تلاش شد تا پژوهشگر اصول روش‌شناسانه کار را چه در داده‌پردازی، چه در تحلیل و چه در انکاوس معنا رعایت کند. و خروجی آن هشت مضمون پایه،



تصویر ۳. مدل تطبیقی «محیط ساخته شده» و «فضای زیسته» در روستاهای منطقه کوهدهشت. مأخذ: نگارندگان.

در نهایت برای معرفی ابعاد یاد شده، نخست به مستعمل کردن آن در قالب توصیفاتی ملموس پرداخته و سپس در خلال تحلیل یکپارچه، چهار بُعد معرفی می‌شود. بدینهی است برای فائق آمدن بر پیچیدگی ناشی از چهاربُعدی بودن مدل [ابراز نمودارسازی توانی و قدرت آن] با ثابت فرض کردن یک بُعد (در اینجا مکان‌های منفرد)، سایر ابعاد به هم پیوند می‌خورد. از این رو سه توصیف زیر مبنی بر داده‌پردازی‌های دو مرحله قبلی پژوهش تدارک شده و با رهیافتی تقلیلی، در بی نمودارسازی بُعد چهارم با شرح وضعیت سه دیگر است:

۱- کوهدهشت مردمانی دارد که مستقل از محل استقرار کنونی شان هویت ایشان شکل گرفته است. یک جانشین شدن، نه تنها نتوانسته ساختار اقتصاد دامداری را به کشاورزی تغییر دهد؛ که عوامل تولید اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را هم مشوش کرده و روستاهایی آفریده با الگوی فضایی منحصر به فرد که در آن، تقابل «حافظه تاریخی» و «مقتضیات امروز» مجسم است. در این آورده‌گاه، «رفتارها و معناها» به مانند رستمی هستند که در مقابل سیاوش خود «قابلیت و بهره‌وری» قرار گرفته است و تراژدی آفریده که هیچ برنده‌ای از آن بیرون نخواهد آمد. پس در چنین فضایی، انسانی که جز نیروی بدنی و اموالی مستهلك شدنی، چیزی ندارد، حق دارد که تن به جبر روزگار داده و نتواند یا نخواهد که «انتخابی» کند. در واقع انتخاب کردن، مایوس‌کننده و پرهزینه است. به این معنا که تلاش‌های کمبازده و بی معنا در غیاب سبدی از کنشگران محلی، نه تنها به اصلاح رابطه دو وجه رقیب فوق (جبر محل یا گزینش محل) کمکی نکرده است، که خود اقتصاد منطقه را در مزیت‌های نسبی کمبازده و هزینه‌های نگهداری فزاینده قفل کرده است. موضوعی که منجر به مهاجرت افراد، جهت کسب معاش شده است.

۲- کوهدهشت مردمانی دارد که مستقل از محل استقرار کنونی شان هویت ایشان شکل گرفته است. ساختار اجتماعی طایفه‌ای میراث روزگاری است که انسان‌ها برای استقبال از حوادث روزگار، تنها هم‌خون‌های خود را داشتند. این ساختار امروز اما عملکرد دیگری دارد و به جای اینکه عصای دست مردم در روزهایی شود که جوانان بیش از پیش نیاز دارند تا محیط خود را بازاریابی کنند و برای برآورده کردن نیازهای ایشان دست افراد غیرهمگون را بگیرند، گاهًا سبدی از انتظارات غیرروزآمد را تحمیل کرده و تعاملات را با

در جامعه جاری است فراتر رفته و طبیعتاً مرکز فعالیت ایشان هم از کانون «این‌جا» خارج شده است. البته اینکه کدام زودتر اتفاق می‌افتد مشخص نیست، اما ایشان با زادگاه مانوس هستند، به آن تعلق دارند و برای غنی کردن روستا به متابه دارایی خود، فعالانه نقش‌آفرینی می‌کنند.

## تطبیق «محیط ساخته شده» و «فضای زیسته» روستا

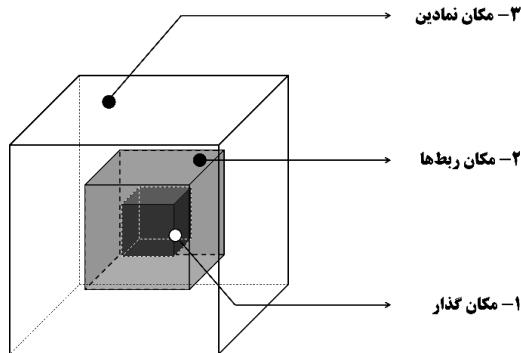
هدف تطبیق، دستیابی به الگویی کلی از تجربیات متعدد، با تعهد به حفظ ویژگی‌های مشخص در هر دو مرحله پژوهش است. در این مرحله ساده‌انگارانه است اگر مدعی شویم که این برهمنهی، تمام دست‌آوردهای دو بخش قبلی را پوشش داده؛ یا بخشی از داده‌پردازی‌های انجام شده را نادیده نمی‌گیرد. مرحله اول، تبیین «فضای ساخته شده» بود؛ که سه بُعد «عملکرد»، «ایدئولوژی» و «دارایی» در آن بازیابی شد و توضیح داده شد که واقعیات تعیین‌کننده «فضای ساخته شده»، در نسبت با این سه محور قابل توصیف هستند و هیچ کدام از این ابعاد عملابه صورت منفرد نسبت به مکان بررسی نشندند. به این معنا که اگر دارایی فهم شد، از آن جهت نبود که سرشماری دام یا سرانه مالکیت انجام گرفت. بلکه در نسبت با فرم‌هایی که فضا عرضه می‌داشت، حاصل گردید. در مرحله دوم، تلاشی برای فهم «فضای زیسته» روستاهای بود که به‌تبع آن «زادگاه مشترک»، «عملکرد مشترک» و «دارایی مشترک»، عمدت‌ترین برداشت‌هایی بود که از تجربه زیسته بومیان مهاجرت کرده حاصل شد. مرور تجربه ایشان به شناخت هشت موقعيت برای دو وضعیت درونی و بیرونی انجامید که با هم «این‌جا» (زندگی روزمره در روستا) را شکل می‌دادند.

بانگاهی تقلیل‌گرایانه می‌توان مدلی چهاربُعدی (تصویر ۳) از تطبیق دو گام فوق ایجاد کرد. مدلی متشكل از «نوع مکان»، «فضای اجتماعی غالب»، «دارایی غالب» و «عملکرد غالب». در واقع با بازگشت به چارچوب مفهومی پژوهش، و مرور تلقی‌هایی که از «روستا به مثابه مکان توسعه» داشتیم؛ می‌توانیم ادعا کنیم که در این مدل، هر سه بُعد، می‌توانند تعیین‌کننده وضعیت بُعد چهارم باشند. به این معنا که:

- معرفی «توسعه» به عنوان امری ماهیتاً «مقایسه‌ای»، بر پایایی محورهای معرفی شده، برای تبیین وضعیت روستاهای در نسبت با هم کاربرد دارد. و چنانچه دو روستا [در منطقه کوهدهشت] در سه محور بر هم منطبق باشند، این مدل وضعیت بُعد چهارم هر دو را مشابه با هم تخمین می‌زند.

- تفسیر فرایند «توسعه» به «مراقبت دو سویه انسان و روستا»، بر روایی قضاوتهایی تأکید می‌کند که بهواسطه فرض وضعیت سه محور، می‌توان برای وضعیت محور چهارم، ملاک عمل قرار داد. از این‌رو هر چند بروز یک سلسه‌مراتب هنجاری از توسعه، در دستور کار اولیه این مدل نبود، اما بهواسطه «مکانمندی توسعه» (ایستایی جغرافیایی)، انتظار بی جایی نیست اگر روند بهبود وضعیت‌مندی‌ها در تمام ابعاد را، برای افق توسعه انتظار داشته باشیم.

که در راستای پاسخ به کلان موضوع «نقش مکان در فرایند توسعه روستا» مسئله «مکان توسعه در زندگی روزمره روستاهای منطقه کوهدهشت چگونه است؟» را بر جسته کرد. در واقع از آن جایی که در قسمت چارچوب مفهومی استدلال شد «مکان، انسان و روستا را مسیر جهان توسط انسان است» و این که «مکان، انسان و روستا را مسیر مراقبت‌های دوسویه به هم پیوند می‌زند»، «ازادی انسان به عنوان مجالی معرفی شد، که او به صورت فعالانه به شکل‌گیری مکان می‌دهد» چراکه هر مکان واحد سختی‌های منحصر به فرد خود است. پس انسانی که مهاجرت می‌کند، از سهم خود در مکان زندگی روزمره محروم شده؛ از این رو «روستا» به مثابه «مکان توسعه»؛ مجالی است به روزمره انسان-روستا، برای تحقق «دستاوردهای» حاصل از مواجهه با سختی‌های منحصر به فرد (غیرقابل مقایسه) و پیوسته پیچیده‌تر، در قالب فضای این تعریف، هدف پژوهش را «تبیین مدل یکپارچه مکان توسعه زندگی روزمره روستا» قرار داد که پاسخ به دو سؤال «منظر ساخته شده روستا در منطقه کوهدهشت چگونه است؟» و «منظر زیسته روستا در منطقه کوهدهشت چگونه است؟» در پی تأمین این هدف هستند. یافته‌های پژوهش برای سؤال اول، مبتنی بر هفت مشاهدهای بود که به صورت عمیق توصیف شده بودند؛ و در ادامه سه بُعد «عملکرد»، «یدئولوژی» و «دارایی» در «فضای ساخته شده» شناسایی شد. در سؤال دوم نیز، فهم «فضای زیسته» روستاهای طریق برپایی مصاحبه‌های پدیدارشناسانه با بومیان مهاجرت کرده صورت گرفت. که نتایج آن در قالب سه تجربه «زادگاه مشترک»، «عملکرد مشترک» و «دارایی مشترک» جمع‌بندی شد. در نهایت با تطبیق نتایج این دو مرحله، مدلی متشكل از چهار بعد «مکان»، «دارایی»، «فضای اجتماعی» و «عملکرد» ظاهر شد (تصویر ۴).



تصویر ۴. موقعیت سه توصیف در مدل تطبیقی مکان توسعه روستا. مأخذ: نگارندگان.

الگوی همزیستی‌های دل‌نگرانانه پیش‌می‌برد. این تعارضات کارکرده و انتظاری، هرچه بیشتر کارامدی «حافظه تاریخی» مردم را به چالش کشیده و آن‌ها را در برابر روند افزایشی اعمال مجرمانه و خودکشی تنها می‌گذارد. و چقدر طبیعی است مردمی که مترقبی ترین نهادهای «تعهد اجتماعی» (رحمت‌بی) را در میان خود بپای کرده‌اند و از وفای خود عبور نمی‌کنند، نتوانند به راحتی از میان قضاؤت‌های سهمگین عبور کرده و در پی آن برآیند تا مفهوم «این‌جا» را با «جای» دیگری جایگزین کنند.

۳- کوهدهشت مردمانی دارد که مستقل از محل استقرار کنونی‌شان هویت ایشان شکل گرفته است. مردمانی «جهان وطنی» که هر چند می‌شد در زمانی بهتر، یا در جایی بهتر باشند اما زادگاه‌شان در ردیف بهترین جاهای است. عمیقاً اباروحیه، شوخ طبع، شجاع و معتمد به عهد هستند. مردم این منطقه خودآگاهی بالایی داشتند و پیوسته تصویری که به ذهن دیگران از خود عرضه می‌کردند. ایشان به خوبی توضیح می‌دادند که قابل قبول است اگر جوانی از روستا با دختری از شهر ازدواج کند و نتواند به علت تفاوت‌های فرهنگی، برای زندگی به روستا برگردد. در این منطقه همچنین با کودکانی رو به رو شدیم که دیگر در کمتر جایی از کشور با چنین تراکم و هیاهویی قابل یافت است. ایشان زیر نظر والدین خود، هم بازی می‌کردند؛ هم تحصیل می‌کردند و هم کارآموزان کلاس فرهنگ محلی بوند. و این مشاهدات چیزی نبود که با وجہ ریال آن‌ها را بسنجدیم و مهر توسعه‌نیافتنی به این منطقه بزنیم، بلکه طبیعی بود که این ویژگی‌ها، به تربیت افرادی منجر شود که محیط اجتماعی مبسوط‌تری از آنچه مکان‌های روستایی می‌تواند تأمین کند، داشته باشند. و ایشان را راهی سایر مناطق کند.

در ادامه این سه شرح، با توصیف مکان‌های منفرد (تقلیل‌هایی از مکان برای خوانا کردن بُعد چهارم) با انتکا به وضعیت سه بُعد دیگر (جدول ۵)، بازسازی می‌شود. این بازسازی‌ها «مدل یکپارچه روستا» به مثابه مکان توسعه» را نمودار می‌سازد. توصیفات غنی‌تر از مکان‌های ظاهر شده برای توسعه، در قسمت نتیجه‌گیری عرضه می‌شود.

## نتیجه‌گیری

انسان به عنوان محصول روستا، خود نهاده اصلی شکل‌گیری مکان و مسیر آتی توسعه است. در این میان یکی از مسائل مهم روستاهای شهرستان کوهدهشت، مهاجرت گسترش‌دهنده بومیان معرفی شد. دندگانی جدول ۵. توصیف منفرد مکان‌ها براساس ویژگی‌های سه بُعد دیگر. مأخذ: نگارندگان.

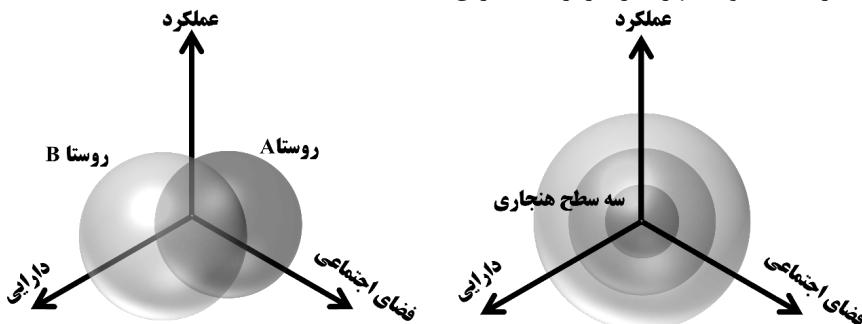
شرح ۱	شرح ۲	شرح ۳
مکان	مکان گذار	مکان نمادین
عملکرد غالب	معاش، رقابتی؛ خود سرزنش‌گر	پاسخ به دندگانی‌های مشترک آینده؛ همزیستی (شبکه‌ای؛ توافقی)؛ عقل سليم
فضای اجتماعی غالب	انتخاب از میان جبر محل یا ترک محل	گزینش محل آشنا
دارایی غالب	سرمایه‌های طبیعی و مالی	سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی

محقق شود. در ادامه پیشنهادهایی جهت کاربردی کردن این مدل عرضه می‌شود.

یشناہ

این مدل تبیینی، با استفاده از داده‌های کمی، می‌تواند به مدلی توصیفی برای تعیین وضعیت روزتا به عنوان مکان توسعه بدل شود. در این راستا این مدل می‌تواند به‌تبع پیمایش میان دو روزتا (یا یک روزتا در دو نقطه زمانی) وضعیت (یا روند تغییرات) «مکان توسعه» رانمودار سازد. یا اتخاذ رهیافتی قیاسی، وضعیت یک روزتا برای تعیین اولویت‌های توسعه‌اش مورد مطالعه قرار دهد (تصویر ۵). در ادامه جدول ۶ ردیفه‌هایی برای پیمایش را پیشنهاد می‌کند که می‌تواند توسط استفاده‌کننده‌گان از این مدل گسترش یافته و حتی هر شاخص با ستجه‌ها و متغیرهای مختلفی نمایه شود.

در «روستابه مثایله مکان توسعه»، منطقه‌زدایی و سنت‌زدایی مهم‌ترین ویژگی «مکان گذار» است. در این مکان، توسعه معنایی حداقلی داشته و نوعاً به معنای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع ناشی از خروج انسان‌هاست. در این سطح روستا زادگاه مشترک است. جایی برای مدارا و راهبردهایی از جنس تاب‌آوری است. در «مکان ریطه» زبان مشترک، عملکردهای مشترک را برای نتایجی رضایت‌بخش پشتیبانی می‌کند. در این سطح مهم است که نقاط قوت محل و قابلیت‌های مردم پیوسته با سیاست‌های توامندساز و ظرفیتساز بهبود یابد. در مکان‌بسطه، «حافظت» الهماخوش‌ترین «راهبرد» برای حفظ ماهیت «این‌جا» مکان است و در نهایت «مکان نمادین»، خانه مهم انسان‌هایی است که مقیاس اثر ایشان فراتر از روستاست. در مقابل نیز ایشان بالفعل ترین سرمایه‌های زادگاه خود برای بهبود شرایط هستند. در این سطح، مکان دارایی مشترکی است؛ که با راهبردهای «مشارکت‌جویانه»، بایدار تقاضات قوت با پهنه‌گیری از فرصت‌ها در آن



تصویر ۵. کاربرد مدل برای توصیف کمی مکان توسعه روست. مأخذ: نگارندگان.  
جدول ۶. ردیفهای پیشنهادی برای ارزیابی روستا به مثابه مکان توسعه. مأخذ: نگارندگان.

مفهوم مکان	معیار	شاخص
عملکرد	- اعتبار تخصیص یافته به محدوده‌های تاریخی - فضاهای اقلامت گردشگر	
نمادین	- تعداد خانوارهای بازگشته به روستا - انعکاس نیازهای جدید در کالبد معماری (جگوزی؛ گاراژ؛ ...)	
دارایی	- برخورداری از سردر یا پیشانی طراحی شده در ساختمان - انعکاس نام محل در پژوهش‌های معتبر	
عملکرد	- سرانه بهینه معاپر - فضای تصمیم‌گیری جمعی	
ربطها	- درختان مثمری که شاخه‌های آن از حیاط به سمت معبر عبور کرده است. - معماری یومی (سرانه مصرف سوخت)	
دارایی	- واحد سکونت (سازه‌های مدرن، سرانه مساحت) - نمایاری ساختمان‌ها - عمر مفید ساخته‌ها	
عملکرد	- فاصله از پاسگاه پلیس - تعداد خانوار بر واحد مسکونی	
گذار	- تعیین پلان از مقتضیات امروز - حضور پذیری اتباع؛ سن ازدواج ختران	
دارایی	- بهداشت محیط زندگی (دسترسی به آب آشامیدنی (ساعت‌های خانه بهداشت) - استحکام بنا، کالاهای اساسی	

## پی‌نوشت‌ها

۱. گفتمانی محلی، برای تضمین نظم اجتماعی حول توافق میان معتمدین (اعم از نخبگان یا بزرگان) است؛ که توسط رجاعات عینی دهنی گوناگون پشتیبانی می‌شود.

- منصوری، سید امیر. (۱۴۰۲). نسبت توسعه با مفهوم سرزمینی. منظر، ۱۵(۱۵)، ۳، ۶۴-۱۵. <https://doi.org/10.22034/MANZAR.2023.180070>
- واقفی، ایمان؛ حاجی میرزایی، همن؛ ترکمه، آیدین و جهانزاد، نریمان. (۱۳۹۸). آنری لوفور. کسری.
- Blaschke, T., Merschdorf, H., Cabrera-Barona, P., Gao, S., Papadakis, E. & Kovacs-Györi, A. (2018). Place versus Space: From Points, Lines and Polygons in GIS to Place-Based Representations Reflecting Language and Culture. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 7(11), 452. <https://doi.org/10.3390/ijgi7110452>
- Cash, D. W., Clark, W. C., Alcock, F., Dickson, N. M., Eckley, N., Guston, D. H., ... & Mitchell, R. B. (2003). Knowledge systems for sustainable development. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 100(14), 8086-8091. <https://doi.org/10.1073/pnas.1231332100>
- Celis, J. E. & Gago, J. M. (2014). Shaping science policy in Europe. *Molecular Oncology*, 8(3), 447-457. <https://doi.org/10.1016/j.molonc.2014.03.013>
- Creswell, J.W. & Poth, C.N. (2018). *Qualitative Inquiry & Research Design: Choosing Among Five Approaches* (4th ed.). SAGE.
- Dürrschmidt, J. (2000). *Everyday Lives in the Global City: The Delinking of Locale and Milieu* (1st ed.). Routledge.
- Kazemian, G., Aslipour, H., Taqipour A., A. & Alipour T., A. (2022). Urban Building Governance in Iranian Researcher's Representations: The Case Study of Tehran City. *Theoretical and Empirical Researches in Urban Management*, 17(1), 5-23.
- Madanipour, A. (1996). *Design of urban space: an inquiry into a socio-spatial process*. Wiley.
- Potts, D. T. (2014). *Nomadism in Iran: From Antiquity to the Modern Era*. Oxford Academic.
- Sen, A. (1999). *Development as Freedom*. Knopf.
- Taqipour Akhtari, A. & Alipour Tabrizi, A. (2023). An Assessment of Tehran Physical-Spatial Development Planning Laws; Using PLAF Model. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 20(118), 37-50. <https://doi.org/10.22034/bagh.2022.315845.5047>

## فهرست منابع

- باقری، رحمان؛ رضاپور، داریوش و غفاری نسب، اسفندیار. (۱۳۹۸). تجربه زیسته زنان نجات یافته‌از خودسوزی در بخش کوهنامی-کوهدهشت. زن در توسعه و سیاست، ۱۷(۲)، ۳۲۵-۳۴۸.
- خراسانی، محمدامین و محمدی، مجید. (۱۴۰۰). تحلیل فضایی فقر روستایی در شهرستان کوهدهشت. *برنامه‌ریزی فضایی*، 11(۲)، ۴۸-۵۲.
- رضاپور، داریوش و باقری، رحمان. (۱۳۹۹). تحلیل پیوند همیاری و توانمندی در بین زنان روستایی (مورد مطالعه: صندوق‌های قرض الحسنه‌خوبشاوندی-همسایگی دهستان تنگ‌سیاب، کوهدهشت). *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، 11(۳)، ۱۲۵-۱۵۹.
- رضاقالی، علی. (۱۴۰۱). اکر نورث / ایرانی بو؛ شرحی بر تاریخ، اقتصاد، سیاست، و فرهنگ ایران، چاپ چهارم. نشر نهادگرا.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان. (۱۴۰۲). بررسی وضعیت و مسائل توسعه و عدم تعامل‌های منطقه‌ای استان‌های کشور، نمونه موردی استان لرستان. ریاست جمهوری؛ سازمان برنامه‌وپودجه کشور. قابل دسترس در: [https://conference.imps.ac.ir/uploads/15\\_111\\_4\\_present-lorestan-14020320.pdf](https://conference.imps.ac.ir/uploads/15_111_4_present-lorestan-14020320.pdf)
- علیپوریان، جهانبخش و رحمانی فضلی، عبدالرضا. (۱۴۰۱). عوامل جاذبه-دافعه مؤثر بر ماندگاری و مهاجرت جوانان روستایی (مورد مطالعه: سکونتگاه‌های روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهدهشت). *مدیریت شهری و روستایی*، 6(۶۹)، ۱۰۷-۱۲۰.
- کاظمیان، غلامرضا! اصلی‌پور، حسین و تقی پور‌اختری، آرش. (۱۴۰۱). پدیدارشناسی تجربه زیسته سازندگان شهر تهران در نظام مدیریت ساخت و ساز شهری. *مطالعات شهری*، 11(۴۹)، ۳۱-۴۶.
- لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۹). دولت‌های توسعه‌گر: پیرامون اهمیت سیاست در توسعه (ترجمه جواد افشار کهن، پیله).
- منصوری، سید امیر. (۱۴۰۲). عشایر مکانمند. *منظر*، ۱۵(۶۵)، ۳.

### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



### نحوه ارجاع به این مقاله

نقی پور اختری، آرش؛ علیپور تبریزی، آذین و روحانیان، رضا. (۱۴۰۳). «روستا» به مثبتة «مکان توسعه»؛ تطبیق «منظر زیسته» و «منظر ساخته شده» در منطقه کوهدهشت. *مکتب احیاء*، 2(۲)، ۲۲-۳۳.

DOI: <https://doi.org/10.22034/2.2.22>

URL: <http://jors-sj.com/article-1-33-fa.html>

